

بسم الله الرحمن الرحيم

«گونه‌شناسی واژه «ویل» در قرآن کریم:

تحلیل معناشناختی، مصادیق و ویژگی‌های گروه‌های هدف

سیده صفیه موسوی^۱

معصومه رستگار نسب^۲

چکیده

یکی از مباحث مهم در تحلیل و تفسیر قرآن کریم بررسی واژه‌ها می باشد. خواستگاه هر واژه در فهم مطالب هر عبارت بسیار تاثیر گذار است. واژه «ویل» از جمله واژه‌های کلیدی و هشداردهنده در قرآن کریم است که درک دقیق معنای آن و گروه‌های هدفش، برای فهم درجه شدت گناهان و درک مشی تربیتی قرآن ضروری است. این پژوهش به بررسی بیان واژه ویل و کاربرد آن در قرآن کریم به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد معناشناسی قرآن‌محور انجام شده است. روشن شدن جایگاه و معنای اصیل لغت مورد نظر می‌تواند مخاطب را به فضای نزول قرآن برده و درک وی را از غرض کاربردی واژه در آیات روشن نماید ویل در لغت عرب برای بیان حسرت و اندوه فراوان برای یک عمل شر و اندوهناک و دارای عذاب و عواقب شدید به غار می‌رود و یکی از واژه‌هایی است که خداوند از آن برای ابراز تنفر و وعید عذاب استفاده کرده است از جمله مخاطبین این واژه کافران مشرکان می‌باشند که در اثر انجام اعمال یا ترک افعالی مورد خشم پروردگار قرار می‌گیرند و مشمول عذاب سخت الهی واقع می‌شوند پس از بیان معنای ویل با استفاده از لغت‌نامه‌های معتبر عربی به جمع آوری آیاتی که کلمه ویل در آنها به کار رفته پرداخته‌ایم و احیاناً به تفسیر مختصری از آنها اشاره شده است از مهمترین یافته‌های این مقاله می‌توان به این نکته اشاره کرد که هر جا قرآن کریم از این واژه استفاده کرده است بیشتر هشدار به کافران و معاندین بوده است و به آنان وعید عذاب و آتش داده است ویل برای کسانی است که پیامبران و سفرا الهی را تکذیب نمودند و نسبت ناروا مثل دروغگویی و جنون یا سحر به آنها دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد این واژه «۳۹» بار در ۲۷ آیه از قرآن تکرار شده و بیشترین کاربرد آن (۱۰ مورد) در سوره مرسلات است. «ویل» در اصل به معنای «عذاب شدید، هلاکت و اظهار حسرت» است و در اصطلاح قرآنی، «هشدار قاطع برای عذابی قریب‌الوقوع» اخروی و گاه دنیوی محسوب می‌شود. این واژه برای گروه‌های خاصی به کار رفته که دارای ویژگی‌های مشترکی هستند: «تکذیب حقایق دینی» (تکذیب قیامت،

^۱ - طلبه سطح ۲ مرکز آموزش عای الزهرا (ع) دزفول gaydrhmtypzhman30@gmail.com
^۲ - مدرس مرکز آموزش عالی الزهرا (س)، دزفول.

تحریف کتاب‌های آسمانی، « فساد اقتصادی-اجتماعی » (کم‌فروشی، ریا، دریغ از کمک به نیازمندان)، «آزارهای اخلاقی» (عیب‌جویی، مسخره کردن، سخن‌چینی) و « استکبار و سنگدلی » در برابر آیات الهی. این پژوهش نشان می‌دهد که «ویل» تنها یک واژه نیست، بلکه یک « سیستم هشدار اخلاقی-اجتماعی » در قرآن است که مهم‌ترین جرائم و انحرافات بشری را که منجر به سقوط فرد و جامعه می‌شود، نشانه‌گیری کرده است.

واژگان کلیدی : عذاب اخروی، قرآن کریم، گروه‌های هدف، گونه‌شناسی، معناشناسی، ویل.

مقدمه

واژه «ویل» از جمله واژه‌های هشداردهنده و خاص در قرآن کریم است که درک دقیق معنای آن، مصادیق و ویژگی‌های گروه‌های هدفش، در فهم درجه severity (شدت) گناهان و درک مشی تربیتی و هشداردهنده قرآن ضروری است. این واژه که به صورت‌های مختلفی چون «ویل»، «ویلک»، «ویلنا»، «ویلتی» و «ویلتنا» به کار رفته، پیام‌های عمیق تربیتی و اجتماعی را دربردارد. قرآن کریم بشارت و انداز را در آیات متعددی برای آگاهی بخشی مردم مورد توجه قرار داده است. یکی از مصادیق انداز واژه ویل می‌باشد. ویل دو کاربرد دارد هم کاربرد وصفی و هم کاربرد اسمی. کاربرد وصفی آن به معنای (بدا به حال...) می‌باشد که شامل انواع بلاها و عذاب‌های دنیوی و اخروی می‌شود و کاربرد اسمی آن به معنای چاهی در جهنم است.

(طیب، ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۴۴۱). امام صادق علیه السلام فرمودند خداوند وحی را درباره هیچ کس در قرآن قرار نداده است مگر اینکه او را کافر نام نهاد. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶، ص ۲۴۶).

این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: معنای دقیق «ویل» در لغت و اصطلاح قرآنی چیست؟ این واژه در چند آیه و برای چه کسانی به کار رفته است؟ این گروه‌ها چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟ اگرچه در تفاسیر مختلف به صورت پراکنده به این واژه پرداخته شده و تعداد محدودی از پژوهشگران پیرامون این موضوع مطلب نوشتند. از جمله: «کتاب ویل‌های قرآنی و آثار تربیتی آن، اثر الهام نوروزیان» و «مقاله بررسی ادبی واژه ویل و بیان مخاطبانان» در قرآن اثر دکتر نورمحمد علیپور. اما پژوهش حاضر با «نگاه سیستماتیک و گونه‌شناختی» به تحلیل جامع تمامی مصادیق و استخراج ویژگی‌های مشترک گروه‌های هدف می‌پردازد. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای قرآن‌پژوهی جمع‌آوری و تحلیل شده‌اند.

مفهوم شناسی

الف) معنای لغوی

در کتب عربی برای ویل معانی متعددی ذکر شده است.

«ویل» مصدری است که از لفظ خودش فعلی ندارد نظیر «ویح» و «ویه» و تشبیه و جمع سالم بسته نمی‌شود و تنها به صورت ویله و ویلات تغییر می‌یابد و غالباً برای اظهار حزن اندوه، حسرت، فضاقت و رسوایی، شدت بدی یک چیز و هلاکت به کار می‌رود گاهی نیز برای ترحم از آن استفاده می‌شود (آلوسی ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ص ۷۴۷). به باور علامه طباطبایی کلمه ویل، به معنای هلاکت و عذاب شدید (راغب اصفهانی، ص ۵۳۵)، (قرشی بنابی، ج ۷، ص ۲۵۷)، و نیز به معنای اندوه، و خواری و پستی است، (ترجمه المیزان، ۱/ ۳۲۵). ویل لفظی

است که اگر شخصی در مهلکه واقع شود آن را به کار می‌برد و آن در اصل عذاب و هلاک است». (طبرسی، ج ۶، ص ۷۳۲). ویل به معنی قبح است و گاهی در تحسّر و تأسف به کار رود (راغب اصفهانی، ص ۵۳۵). ویل فظی است که دلالت بر شدت بدی و سوء حالت مخاطب دارد و در مواردی که از حالت کسی که بسیار وضعیت وخیمی دارد صحبت شود از این لفظ استفاده می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۱۴۶).

- **اندوه و حسرت:** در فرهنگ‌های فارسی نیز «ویل» به معنای «وای، مصیبت، سختی و هلاکت» آمده است. راغب از اصمعی نقل کرده ویل بمعنی قبح است و گاهی در تحسّر و تأسف بکار رود.

طبرسی می‌نویسد ویل دره‌ای است که چرک تن دوزخیان در آن روان است. (عاملی، ۱۳۶۰ ش ج ۸، ص ۶۷۷). ویل وادیعی است در دوزخ که اگر همه کوه‌های دنیا در آن افکنده شود از شدت گرمای آن بگدازند. (اسفراینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۲۱) و نیز گفته شده ویل کوهی است در آتش جهنم (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱، ص ۲۳۱) راغب اصفهانی گفته کسی که ویل را به دره یا چاه تفسیر نموده منظورش این است که هر کجا در قرآن برای کسی ویل گفته شده آن کس مستحق عذابی در جهنم شده است نه اینکه معنی لغوی چاه یا دره باشد در هر صورت ویل کلمه‌ای است که از بدبختی و عذاب حکایت می‌کند (امین بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱ ج ۲، ص ۲۳۸) با امعان نظر به کاربرد واژه در قرآن این نکته استنباط می‌شود که عذاب سختی در روز قیامت در انتظار مخاطبان آن می‌باشد همچنین استنباط می‌شود که مخاطبین ویل کافر هستند اگرچه در ظاهر هم اسلام بیاورند.

ب) معنای اصطلاحی در قرآن

در فرهنگ قرآن، «ویل» تنها یک واژه اندوه‌بار نیست، بلکه **هشدار شدیداللعن برای عذابی سخت و قریب‌الوقوع** است که هم جنبه اخروی و هم گاه آثار دنیوی دارد. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرماید: «کلمه ویل، به معنای هلاکت و عذاب شدید، و نیز به معنای اندوه، و خواری و پستی است، و در اصطلاح نیز هر چیزی را که آدمی سخت از آن حذر می‌کند، ویل می‌گویند». کلمه ویل در قرآن اغلب درباره تحریف کنندگان دین ریاکاران و غافلان نماز بدگویان عیب جویان، تکذیب کنندگان قیامت، دین و کتاب‌های آسمانی، کافران از حیث حضور در روز قیامت و عذاب مشرکان ظلم کنندگان، دروغگویان گناه پیشه، سخت دلان از یاد خدا، کم فروشان و توصیف کنندگان توحید و نبوت و معاد به شکل منحرف و نادرست به کار رفته است، به تعبیری دیگر می‌شود گفت واژه یاد شده در قرآن درباره ظالمان اقتصادی، مسخره کنندگان حقایق دینی و الهی، خائنین فرهنگی و منحرفان، اعتقادی یعنی کافران و مشرکان استعمال شده است. در هر حال این کلمه حکایت از بدبختی و عذاب دارد خواه شخص گرفتار خودش بگوید مثل «یا ویلّتنا ما لهذا الکتاب لا یغادر صَغیرَةً وَ لا کَبیرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا» (کهف/ ۴۹) و خواه از دیگری به دیگری باشد مثل «وَبَلَّغْ آمِنُ» (احقاف/ ۱۷)؛ وای بر تو ایمان بیاور یا «وَبَلَّغْ یَوْمَئِذٍ لِلْمُکَذِّبِینَ» (مرسلات/ ۱۵)؛ وای در آن روز بر تکذیب کنندگان. (قرشی،

قاموس قرآن، ۷/ ۲۵۷) به پیشامد بد، نابودی، به کسی که در خطری بیفتد که سزاوار آن باشد نیز گفته می‌شود. (مهیاری، فرهنگ ابجدی، ۹۹۹) به نظر می‌رسد این کلمه در فرهنگ قرآن نفرینی است از طرف خداوند متعال که به معنای (هلاک باد) می‌باشد.

تحلیل آماری و گونه‌شناسی گروه‌های هدف

الف) آمار و پراکندگی کاربرد

واژه «ویل» در قرآن مجید «۳۹ مرتبه» در «۲۷ آیه» آمده است. بیشترین موارد آن مربوط به سوره مبارکه مرسلات که ۱۰ مورد (آیات ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۲۸، ۳۴، ۴۰، ۴۵، ۴۷، ۴۹) است. در سوره مبارکه بقره نیز ۳ مورد در (آیه ۷۹)، و ۲ بار در سوره مطفین، (آیات ۱ و ۱۰) تکرار شده است. ویل ۲۷ مرتبه از سوی خداوند به انسان و سه مرتبه از زبان هموعان دلسوز و ناصح و ۱۰ مرتبه از زبان خود مجرمان استعمال شده است.

مورد آن نیز در ۱۲۱۲ سوره دیگر هر کدام یک بار: ابراهیم (ایه ۲)، مریم (۳۷)، انبیاء (۱۸)، ص (۲۷)، زمر (۲۲)، فصلت (۶)، زخرف (۶۵)، جائیه (۷)، ذاریات (۶۰)، طور (۱۱)، همزه (۱)، ماعون (۴) آمده است.

همچنین این واژه با صیغه‌های مختلفی به کار رفته است: «ویلنا» مورد (انبیا ۱۴ و ۴۶ و ۹۷/یس ۵۶/اصافات ۲۰/قلم ۳۱ به صورت ویلتی سه مورد) مائده ۳۱/هود ۷۲/ (فرقان ۲۸) با حالت ویلکم دو مورد (طاه ۶۱/قصص ۸۰) و به صورت ویلتنا (کهف ۴۹) و همچنین ویلک (احقاف ۱۷) هر کدام یک مورد در قرآن کریم آمده است.

ب) گونه‌شناسی گروه‌های هدف و ویژگی‌های آنها

با تحلیل مصداقی آیات، می‌توان گروه‌های هدف «ویل» را در هشت دسته اصلی دسته‌بندی کرد که هر کدام ویژگی‌های خاص خود را دارند.

دسته‌بندی گروه‌های هدف «ویل» در قرآن:

۱_ تکذیب‌کنندگان قیامت و حقایق دینی: (مرسلات/۱۵؛ طور/۱۱؛ مطفین/۱۰) تکذیب روز جزا، انکار معاد، بی‌اعتقادی به حساب و کتاب الهی.

۲_ کم‌فروشان (مطفین/۱) خیانت در پیمان و وزن، پایبند نبودن به اخلاق در معاملات، بی‌اعتقادی به روز حساب

وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ (۶) الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ (۷)

وای بر مشرکان همان کسانی ه زکات نمی‌پردازند و آخرت را منکرند با توجه به اینکه حکم زکات در سال دوم هجری در مدینه نازل شده است و این سوره مکی است منظور از زکات در این آیه کمک مالی است زکات بودجه حکومت اسلامی است و نپرداختن آن به معنای رسمیت نشناختن نظام توحیدی است که همتای شرک است و سرچشمه نپرداختن زکات یا دنیاپرستی است که نوعی شرک است و یا باور نداشتن قیامت است که کفر است (قرائتی، ۱۳۸۳، جلد ۸، صفحه ۳۱) خسارت و هلاکت برای کسی است که به پروردگار خود مشرک شود و از مالش به فقیر نپردازد تا ناتوانی مالی او را برطرف سازد و منکر حساب و روز جزا باشد و گفته شده زکات پل اسلام است هر کس از پل عبور کرد نجات پیدا می‌کند و هر کس از پل رد نشد هلاک شده است (المراغی، بیتا، ج ۲۴، ص ۱۰۷). آنچه در اینجا نزدیک‌تر به مفهوم آیه است این است که منظور از زکات همان مفهوم عام انفاق بوده باشد ر آن در نشانه‌های مشرک به خاطر این است که انفاق‌های مالی در راه خداوند یکی از روشن‌ترین نشانه‌های ایثار و گذشت و عشق به الله است که مال از محبوب‌ترین امور نزد انسان می‌باشد و انفاق و ترک انفاق می‌تواند شاخصی برای شرک و ایمان در بسیاری از موارد گردد و به عبارت دیگر منظور ترک انفاقی است که نشانه عدم ایمان آنها به خداست و به همین دلیل در ردیف عدم ایمان به معاد ذکر شده است و یا ترک زکات توأم با انکار وجوب آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۲۱۶ و ۲۱۷) از این آیه استفاده این است که مشرکان کسانی هستند که زکات نمی‌دهند و مانع زکات کافر به روز جزاست لاجرم ظاهراً از آیات استفاده می‌شود که تارک نماز و تارک زکات مشرک هستند (جرجانی ۱۴۰۴ جلد ۱ صفحه ۲۱۲)

۶. آیه ۱۰ تا ۱۴ سوره طور. تکذیب کنندگان

فَوَيْلٌ لِّیَوْمِئذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (۱۱) الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ (۱۲) یَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارٍ جَهَنَّمَ دَعَاً (۱۳) هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ (۱۴)

وای در آن روز بر تکذیب کنندگان همان‌ها که در سخنان باطل به بازی مشغول هستند. در آن روز که آنها را به سوی آتش دوزخ می‌رانند، به آنها می‌گویند این همان آتشی است، که آن را تکذیب می‌کردید، پس ویل در همچون روزی از برای تکذیب کنندگان است، مراد تکذیب انبیا است و این منحصر به تکذیب رسالت نیست که اصلاً انکار رسالت انبیا و رسل کنند. اگر تکذیب یک حکم و فرمان الهی و فرمایشات نبی کنند صدق مکذب می‌کند. مثل انکار نصب امیرالمومنین برای خلافت در روز غدیر یا سایر ائمه یا انکار متعه حج و متعه نسا یا انکار حرمت لحم خنزیر و ربا یا سایر احکام (طیب ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۹۵)

وای به حال کسی که آیات خدای را تکذیب می‌کند که قدر متیقن از جهنمیان همین‌ها هستند پس این جمله به دلالت التزامی دلالت دارد بر اینکه معذب‌های روز قیامت مکذبین در دنیا هستند و به دلالت مطابقی دلالت دارد بر اینکه حال آن روزشان واویلاست.

به عبارت ساده‌تر اینکه آیه شریفه صریحاً نمی‌فرماید مکذبین داخل آتش می‌شوند لیکن چیزی درباره آنها می‌گوید که لازمه‌اش دخول در آتش است و آن این است که وای بر حال مکذبین (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۱۲)

ویل برای کسانی است که پیامبران و سفرا الهی را تکذیب نمودند و نسبت ناروا مثل دروغگویی یا جنون یا سحر به آنها دادند آنان کسانی می‌باشند که در باطل و امور طبیعی که استوار نیست و در جنب امور روحانی و معارف الهی ناچیز می‌نماید و ناپایدار است بازی می‌کنند زیرا که گفتار و اعمال آنها مثل بچه‌ها و دیوانگان است که از روی عقل و بصیرت نیست اگر آنان در بیهوده‌کاری فرو رفته بودند نسبت ناروا به پیامبران نمی‌دادند و آن بزرگواران را ساحر و کذاب و دیوانه نمی‌نامیدند (امین بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱، ج ۱۳، ص ۳۴۴). از آیات قرآن استفاده می‌شود که هر کس حتی یک حکم از احکام الهی را تکذیب نماید جایگاهش در آتش جهنم است و مشمول خطاب ویل است، زیرا تکذیب یک حکم به تکذیب پیامبران و سفرا الهی و در نتیجه به تکذیب خدا برمی‌گردد.

۷. آیه ۲ و ۳ سوره ابراهیم، کافران

وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ (۲) الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ (۳)

وای بر کافران از مجازات شدید الهی همان کسانی که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و می‌خواهند آنها را منحرف سازند آنها در گمراهی دوری هستند کفار با تمام وجود علاقمند به دنیا هستند و قهراً از آخرت اعراض نموده و گریزانند و بعد از اعراض هم انکار آن قهری است و بعد از انکار آخرت و کفر به آن هم کفر به توحید و نبوت مسلم است این‌ها خود را از پیروی سنت خدا و تدین به دین او و تشرع به شریعت او باز می‌دارند و به علاوه به سبب عناد و دشمنی که با حق دارند مردم را هم از ایمان به خدا و روز جزا و تشرع به شریعت او منصرف می‌کنند و در جستجوی این هستند که برای سنت و دین و شریعت خدا یک کجی پیدا کنند تا دشمنی خود را موجه جلوه دهند و مردم را راضی کنند که به هر سنتی از سنت‌های اجتماعی و بشری هر قدر هم خلاف باشد عمل کنند و به این وسیله ضلالت برای آنها مسجل و حتمی می‌گردد و این همان مرحله‌ای است که خدا درباره‌اش فرمود اولئك في ضلال بعيد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۸)

خداوند در (سوره ص آیه ۲۷) می‌فرماید ما این آسمان پهناور و برافراشته و این زمین گسترده و محتویات آنها را بر پایه باطل نیافریدیم، تا قضاوت و داوری بین آنها هم بر باطل باشد، همان گونه که کلیه موجودات را بر اساس حق و حقیقت آفریدیم، همانگونه هم باید قضاوت در بین آنها بر پایه عدل باشد و اگر دیده یا شنیده شود، که کسی بگوید آفرینش موجودات بر اساس باطل است این یک نوع گمان خطا و غلطی است که کافران کرده و می‌کنند. پس وای بر آن افرادی که کافر شدند از آتش دوزخ. این نظر و عقیده کافران اشاره می‌کند به اینکه آن کسی که منکر وجود خدا باشد و بین آن کسی که خدا را قبول داشته باشد ولی منکر حکمت خداوند باشد هیچ فرقی نیست. (نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۱۷، ص ۳۱)

۸. آیه ۷-۹ سوره جائیه . دروغگویان گناهکار

وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (۷) يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۸) وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (۹)

وای بر هر دروغگوی گناهکار که پیوسته آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود می‌شنود اما از روی تکبر اصرار بر مخالفت دارد گویی اصلاً آن را نشنیده است او را به عذابی دردناک بشارت بده و هرگاه از بعضی آیات ما آگاه شود آن را به باد استهزا می‌گیرد رای آنان عذاب خوار کننده‌ای است افاک بر وزن فعال است از افک که عبارت است از کذب و دروغ، افاک به کسی می‌گویند که بسیار دروغ می‌گوید یا آنکه دروغ بزرگی می‌گوید هرچند که این دروغ ضمن یک خبر باشد مانند دروغ مسیلمه کذاب که در ادعای نبوت دروغ گفت و اثم صاحب اثم را گویند که فرد گناهکار باشد که با گناهش استحقاق عقاب پیدا می‌کند آنگاه خداوند افاک اثم را چنین توصیف می‌فرماید قرآن را که در آن دلیل‌های وجود دلیل‌ها وجود دارد برایش می‌خوانند و آن را می‌شنود و بر سر باطل و کفر خود ایستادگی می‌کند و حاضر نیست در برابر حق سر تعظیم فرود آورد آنچنان که گویی اصلاً حق را نشنیده است و حق را نپذیرفته برای آن اهمیتی نمی‌بیند آنان را به عذابی دردناک بشارت ده و هرگاه این افاک اثم از دلیل‌ها و حجت‌های ما چیزی را فرا گرفت آن را مسخره می‌کند تا به مردم عامی چنان بنمایاند که این‌ها حقیقتی ندارند این‌ها گرفتار عذابی خوار کننده و دردناک خواهند بود (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۲۲، ص ۳۴۰-۳۴۱). آیه تهدید عظیمی و وعید شدیدی است نسبت به کسانی که فرو رفته‌اند در عناد و مخالفت تا حدی که فرامین الهی را می‌شنوند که به آنها مکرر در مکرر ابلاغ می‌شود و لیکن عالماً، عامداً مخالفت می‌نمایند مانند کسی که اصلاً نشنیده است بنابراین این گونه اشخاص مستوجب شوند ویل را بر سرزنش یا بند عذاب الیم را (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۴۳)

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که واژه «ویل» در قرآن کریم، یک علامت هشدار قاطع برای رفتارها و عقایدی است که بنیان‌های فردی و اجتماعی انسان را تخریب می‌کنند. این واژه برای هشت گروه اصلی به کار رفته که دارای پنج ویژگی مشترک تکذیب، آزار اجتماعی، ریاکاری، استکبار و عمدی بودن عمل هستند. پیام تربیتی کاربرد این واژه آن است که قرآن، «جرم‌های اجتماعی» (مانند کم‌فروشی، عیب‌جویی، تحریف) را به اندازه «جرم‌های اعتقادی» (مانند شرک و کفر) مهم می‌داند و برای آن عذابی سخت وعید می‌دهد. از منظر قرآن، «ایمان به معاد» باید در رفتار اقتصادی و اجتماعی انسان تجلی پیدا کند وگرنه ارزشی ندارد.

برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود که:

مقایسه تطبیقی بین واژه «ویل» و دیگر واژه‌های هشدار در قرآن (مانند «أَنَا لَهُ حَاسِبُونَ»، «تَبَت» و «وَيْح»)
انجام شود. بازتاب اجتماعی اعمال گروه‌های هدف «ویل» در جامعه معاصر تحلیل شود. روایات اسلامی مربوط به هر یک از مصادیق «ویل» (مانند کم‌فروشی و غیبت) به طور جداگانه بررسی گردد.

فهرست منابع و مآخذ

*قرآن کریم

- (۱) ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير والتنوير، قرن ۱۴، بی تا، بی جا.
- (۲) آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، دا.
- (۳) امین بانوی اصفهانی، سیده نصرت، ۱۳۶۱ش، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تحقیق، دکتر محمد جعفر یا حقی.
- (۴) جرجانی، امیر ابوالفتح، ۱۴۰۴ق، آیات الاحکام، نوید تهران.
- (۵) حسینی همدانی، محمد حسین، ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، لطفی، تهران.
- (۶) حسینی، شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، تفسیر اثنی عشری، میقات تهران.
- (۷) راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم.
- (۸) طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان در تفسیر قرآن، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی، جامعه مدرسین قم.
- (۹) طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر قرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
- (۱۰) قرائتی، محسن ۱۳۸۳، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- (۱۱) قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قران (۱۳۷۱ش)، واژه شناسی کلمات عربی به فارسی، دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۲) کاشانی، ملا فتح اله، ۱۳۳۶ش، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، علمی، تهران.
- (۱۳) المراغی، احمد بن مصطفی، بیتا، تفسیر المراغی، داراحیاء التراث، بیروت.
- (۱۴) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ش، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- (۱۴) نجفی خمینی، ۱۳۹۸ محمد جواد، ۱۳۹۸ق، تفسیر آسان، انتشارات الاسلامیه تهران.